



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۵ | شماره ۱۰ | زمستان ۱۴۰۱ | ۵۰۰۰۰ تومان

- ◆ نام‌جای‌های اشاره شده در پوست‌نوشته‌های اورامان
- ◆ سکه‌های حفاری و تاریخ یونان: نمونه جزیره تاسوس
- ◆ کارکرد کیف دستی کلریتی تمدن هلیل رود با استنتاج اثرات سایشی آن
- ◆ کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی: چند اشاره درباره نام سکه‌ها در متن‌های یونان باستان
- ◆ باستان‌شناسی و سکه‌شناسی در آلبانی: چند اشاره درباره فعالیت پولی از قرن چهارم تا دوم

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



فصلنامه ایران شناسی

| سال ۵ | شماره ۱۰ | زمستان ۱۴۰۱ | ۷۲ صفحه |
| شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
| صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
| مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: شی‌ای از سنگ صابون یافت شده از کنار صندل جیرفت

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

کارکرد کیف دستی کلریتی تمدن هلیل رود با استنتاج اثرات سایشی آن ا ماسیمو ویداله، روبرتو میکلی،
ترجمه امیررضا خیرخواه

۵

نام‌جای‌های اشاره شده در پوست‌نوشته‌های اورامان ا سی. جی. ادموندز، ترجمه نوذر حیدری

۲۳

انیران / سکه‌شناسی

کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی: چند اشاره درباره نام سکه‌ها در متن‌های یونان باستان ا هلن نیکلت - پیر،
ترجمه نیلوفر رضایی نراقی

۳۹

باستان‌شناسی و سکه‌شناسی در آلبانی: چند اشاره درباره فعالیت پولی از قرن چهارم تا دوم ا
اش. جونجکاژ، ترجمه نیلوفر رضایی نراقی

۴۷

سکه‌های حفاری و تاریخ یونان: نمونه جزیره تاسوس ا او. پیکار، ترجمه نیلوفر رضایی نراقی

۵۷



نام‌جای‌های اشاره شده در پوست‌نوشته‌های اورامان^۱

سی. جی. ادموندز
ترجمه نوذر حیدری

بخش نخست

پوست‌نوشته‌های اورامان^۲ که دو نسخه آنها (نسخه‌های شماره I و II) به یونانی و نسخه سوم (III) آنها به پارسی است، در سال ۱۹۱۳ میلادی توسط دکتر سعید خان کردستانی به انگلستان برده شده و بعد از مدت کوتاهی تحت مالکیت موزه بریتانیا (British Museum) درآمدند (شکل‌های ۱ تا ۳). پروفیسور مینس (Ellis Hovell Minns)، استاد کالج پمبروک کمبریج (Pembroke College, Cambridge) در مقاله‌اش با عنوان «پوست‌نوشته‌های دوره پارسی اورامان در کردستان» که در مجله مطالعات هلنی در سال ۱۹۱۵ میلادی منتشر کرد، این اسناد را ترجمه و به تفصیل درباره نسخه‌های شماره I و II آنها که به یونانی هستند بحث و تحلیل کرده است.^۳

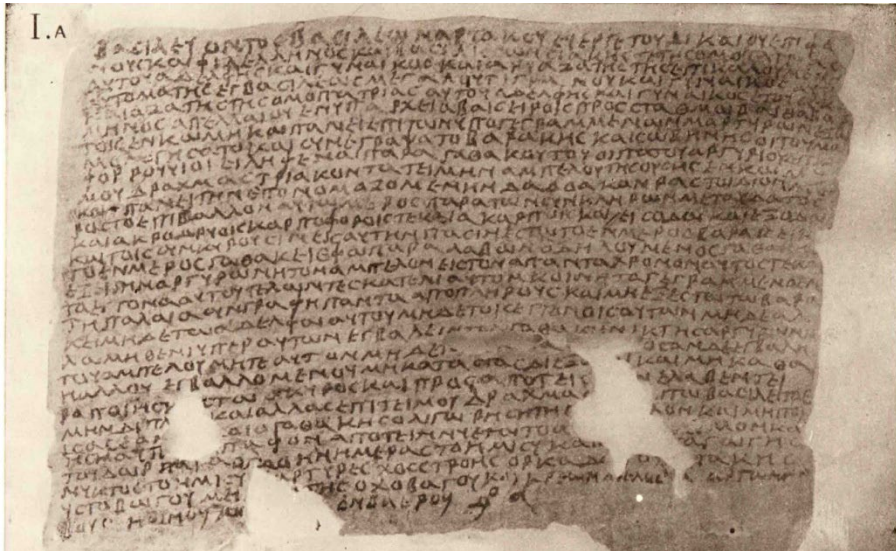
^۱ این مقاله ترجمه‌ای است از:

Edmonds, C. J. (1952), "The Place Names of the Avroman Parchments", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, Vol. 14, No. 3, Studies Presented to Vladimir Minorsky by His Colleagues and Friends pp. 478-482.

متن اصلی مقاله تصویر نداشت و تصاویر استفاده شده در مقاله، از مقاله مینس (Minns, 1915)، استفاده شده است.

^۲ قباله‌های اورامان، بنچاق اورامان، اسناد پهلوی اورامان، پوست‌نوشته‌های اورامان و ... از جمله عناوین رایجی هستند که در نوشته‌های مختلف فارسی و غیر فارسی به سه سند و قرارداد مکشوفه از دوران اشکانی در منطقه اورامان در کردستان ایران اتلاق شده است. از آنجاکه این اسناد بر صفحاتی از پوست نوشته شده‌اند، در ادبیات انگلیسی بیشتر به پوست‌نوشته (Parchment) مشهور هستند و در همه موارد، مقصود یکی است (م).

^۳ عنوان و ارجاع مقاله مینس که دو پوست‌نوشته یونانی قباله‌های اورامان (پوست‌نوشته‌های شماره I و II) را ترجمه و مفصل درباره آنها بحث و تحلیل کرده است (م):



شکل ۱. تصویر نسخه شماره ۱ پوست‌نوشته‌های اورامان (نسخه یونانی IA) (برگرفته از: Minns, 1915:PL I)

آخرین و معتبرترین مقاله از مقالات متعددی که درباره نسخه سوم (نسخه پارتی) این پوست‌نوشته‌ها نگاشته شده، مقاله‌ای است از دکتر اچ. اس. نیبرگ (Nyberg, H.S) با عنوان: «اسناد پهلوی اورامان» که به سال ۱۹۲۳م. منتشر شده است.^۱ خلاصه‌ای از این مقاله که مبنای کار من و مربوط به مقاله حاضر است در سه بند پیش رو آورده می‌شود.^۲

بر طبق گفته‌های دکتر سعید خان، این پوست‌نوشته‌ها در یکی از غارهای منطقه اورامان، واقع در کوهی به نام: «کوه سالان» (Kuh-i Sālān) [به کردی: کو‌سالان] نزدیک روستای شهر هورامان^۳

Minns, Ellis. H. 1915. "Parchments of the Parthian period from Avroman in Kurdistan" *The Journal of Hellenic Studies*, Vol. 35. Pp. 22-65.

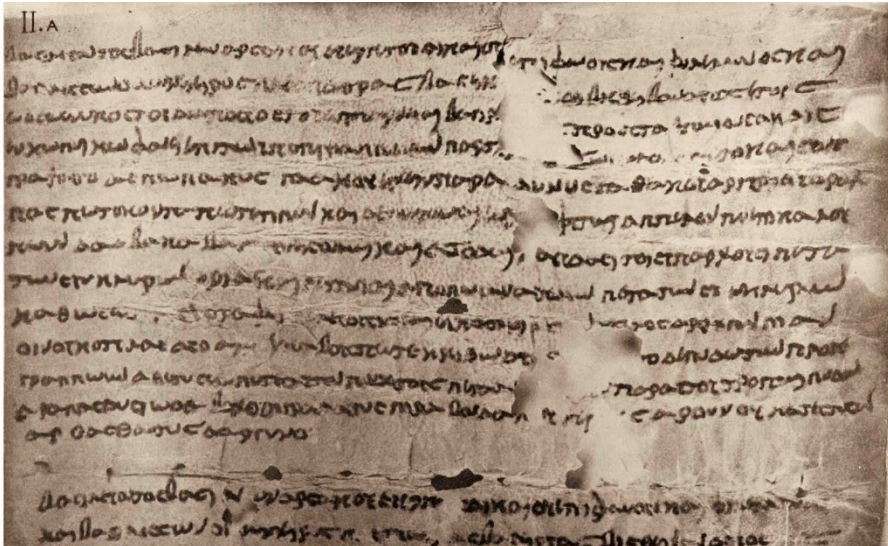
^۱ عنوان و ارجاع مقاله نیبرگ درباره نسخه پهلوی پوست‌نوشته‌های اورامان (م):

Nyberg, H.S., 1923. "The Pahlavi documents of Avroman" *Le Monde Oriental*, XVII, pp. 182-230.

^۲ وظیفه خود می‌دانم از پروفسور سیدنی اسمیت (Sidney Smith) و همچنین و. ب. هنینگ (W. B. Henning) که این مقاله‌ها و منابع را در اختیار من گذاشتند و نیز برای انتقادات و پیشنهادها ارزشمندشان سپاس‌گزارم.

^۳ اورامان (به کردی: هورامان/ هورامان) نام منطقه‌ای است کوهستانی که امروزه بخش‌هایی از ایران و اقلیم کردستان را تشکیل داده است (شمال‌غربی استان کرمانشاه و جنوب‌غربی استان کردستان در ایران و شمال غرب استان حلبچه در اقلیم کردستان). به واسطه کوهستانی بودن منطقه، در گذشته شهر بزرگی به لحاظ تقسیمات کشوری در آن وجود

پیدا شده بودند. پوست‌نوشته‌ها درون یک خمره مهر و موم شده قرار داشتند و سعی کرده بودند که با دقت از آنها محافظت و نگهداری کنند. این اسناد ممکن است بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تری باشند که هنوز کشف نشده‌اند.



شکل ۲. تصویر نسخه شماره ۲ پوست‌نوشته‌های اورامان (نسخه یونانی IIA) (برگرفته از: Minns, 1915: PL II)

پشت (ظهر) یکی از دو نسخه یونانی قباله‌ها، متن کوتاهی هم به «پارتی» نوشته شده که به‌سختی می‌توان آن را خواند و به نظر می‌رسد مطالب آن، خلاصه‌ای از رئوس مطالب متن یونانی روی دیگر پوست‌نوشته باشد. هر کدام از این سه پوست‌نوشته، سند و قرارداد فروش نیمی از یک تاکستان هستند (ظاهراً ملک مورد معامله در هر سه سند، یک ملک واحد است). هر یک از دو قباله یونانی، مطابق با یک شیوه ناآشنای کتابت باستانی؛ در دو متن جداگانه نوشته شده‌اند. به این معنی که یک متن واحد، دو بار بر روی هر نسخه پوستی نوشته شده است. متن (A) در نیمه بالایی صفحه پوستی و متن (B) در نیمه پایینی آن به نگارش در آمده است. بخش بالایی هر کدام از صفحه‌های پوستی به مانند یک طومار لوله شده و در وسط صفحه [پیش از رسیدن به متن نیمه پایینی] با یک رشته نخ که از دو سوارخ ایجاد شده در لبه‌های انتهایی سند عبور داده شده، محکم بسته شده و در نهایت مهر و موم شده است (شکل ۴). متن دوم (B) که در نیمه پایینی صفحه پوستی نگاشته شده، بخش گشوده و در

نداشته و روستای «اورامان» که نام بزرگ‌ترین روستای منطقه بوده «شهر اورامان» (به کردی: شاری هورامان) نیز خوانده شده است (م).

دسترس قباله محسوب می‌شود. به این ترتیب که هر زمانی خواستند که به سند مراجعه کنند متن آن به آسانی در دسترس و معرض دید باشد.^۱ با وجود این، بین متن بالایی سند که به صورت طوماری، محکم بسته و مهر و موم شده و متن پایینی که به صورت باز و قابل دسترس است تفاوت‌هایی جزئی دیده می‌شود.



شکل ۳. تصویر نسخه شماره ۳ پوست‌نوشته‌های اورامان، با خط آرامی و زبان پهلوی (نسخه پارتی) برگرفته از (Minns, 1915: PL III)

قباله شماره یک I دارای تاریخ سال ۲۲۵ سلوکی است که مطابق است با سال ۸۸ و ۸۷ پیش از میلاد و این تاریخ هم‌زمان است با اواخر سلطنت مهرداد دوم اشکانی (Mithridates II).^۲ قباله شماره II

^۱ به نظر می‌رسد از آنجاکه ممکن بوده لازم شود به دفعات به اسناد مراجعه کنند و در هر مراجعه با باز و بسته کردن سند موجبات تخریب و آسیب احتمالی آن را فراهم کنند، نویسندگان قباله‌ها، شیوه‌ای ابتکاری به خرج داده‌اند که نمونه آن در اسناد باستانی از این دست منحصربه‌فرد است. به این ترتیب که متن قرارداد را دو بار بر بالا و پایین یک صفحه پوستی کتابت کرده‌اند و متن نیمه بالایی سند را تا اواسط صفحه لوله کرده و با نخ محکم کرده و مهر و موم کرده‌اند تا چنانچه نیمه پایینی به واسطه مراجعات مکرر یا عوامل دیگر آسیبی ببیند بتوانند از نیمه بالایی که در واقع به نوعی حکم «کپی برابر اصل» امروزی را داشته استفاده کنند (م).

^۲ دوره حکومت مهرداد دوم اشکانی برابر است با حدود سال ۱۲۳/۴ تا سال ۹۱ پیش از میلاد (ر. ک. یار شاطر، احسان (گردآوری)، «تاریخ ایران؛ از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان»، ترجمه حسن انوشه، پژوهش دانشگاه کمبریج، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، جلد سوم، قسمت اول، ص: ۱۹۷) (م).

دارای تاریخ سال ۲۹۱ سلوکی است که مطابق با سال ۲۱ و ۲۲ پم بوده و همزمان با دوران سلطنت فرهاد چهارم اشکانی (Phraates IV) است.^۱ قباله شماره III به پارتی نوشته شده و متن آن خیلی مختصر و کوتاه‌تر از دو پوست نوشته دیگر یونانی است. این نسخه بیشتر از دو نسخه دیگر آسیب دیده و در وضعیت بدتری قرار دارد و اگر نسخه دوم یا رونوشتی هم از آن در گذشته وجود داشته، تاکنون به دست نیامده و به احتمال از بین رفته است. پوست نوشته شماره III (نسخه پارتی) دارای تاریخ سال ۳۰۰ سلوکی است که این سال مطابق با ۱۲ و ۱۳ پم بوده و این تاریخ نیز مانند نسخه یونانی شماره II همزمان با دوران سلطنت فرهاد چهارم اشکانی (Phraates IV) است.^۲

در هر دو نسخه یونانی قباله‌ها نام چهار مکان ذکر شده است. نام چند نفر که از تاکستان خود در روستای (κώμη) از توابع هیپارخی (hyparchy)^۳ یا بخش اداری (σταθμός) که در آنجا قباله‌ها در حضور شهود نوشته و به امضا رسیده‌اند. در نسخه پارتی قباله‌ها فقط نام تاکستان مورد معامله ذکر شده و نامی از روستای محل تاکستان و مراکز اداری ثبت نشده است.

جدول نام مکان‌های اشاره شده در پوست‌نوشته‌های اورامان، به تفکیک قباله‌ها

شماره قباله	نام باغ	نام روستا	نام هیپارخی	رده تقسیمات کشوری
I A	DADBAKANRAS	KÖPANIS	BAISEIRA	BAITHABARTA
I B	GANZAKĒ	KÖPANIS	BAISEIRA	BAITHABARTA
II A	DADBAKABAG	KÖPHANIS	BASIRAORA	DĒSAKDIS
II B	DADBAKABAG	KÖPANIS	BASIRAORA	DĒSAKIDIDA
III	DATBAKAN مربوط به: GANJAKAN	_____	_____	_____

^۱ دوره حکومت فرهاد چهارم اشکانی برابر است با سال ۴۰ تا ۲ پم (ر. ک. یار شاطر، احسان (گردآوری)، "تاریخ ایران؛ از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان"، ترجمه حسن انوشه، پژوهش دانشگاه کمبریج، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، جلد سوم، قسمت اول، ص: ۱۹۸) (م).

^۲ محاسبات تاریخی ذکر شده درباره این پوست‌نوشته‌ها را آقای مینس (Ellis H. Minns) انجام داده است.

^۳ در دوره سلوکیان، ۲۵ تا ۲۸ ساتراپ‌نشین وجود داشت. هر ساتراپ‌نشین به تعدادی ایپارخی (Eparxia) و هر ایپارخی به تعدادی هیپارخی (Hyparkhos) و هر هیپارخی به تعدادی استانما (Stathmoi) تقسیم می‌شد. از آنجاکه شکل‌گیری این سلسله‌مراتب در تقسیمات کشوری متأثر از شکوفایی راه‌های تجاری و نقش بازرگانی شهرها بود، استانما؛ به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اداری-پستی، دوران سلوکی و پارتی نقش مهمی زیر نظر هیپارخی‌ها به‌دست آورد (ر. ک: باستانی‌راد، حسن، ۱۳۸۹، "واژه‌شناسی تاریخی اُستان در ایران"، تاریخ ایران، شماره ۶۶/۶۵، ص: ۸) (م).

هجاهای پایانی نام‌هایی که در قباله‌ها برای عنوان نام تاکستان مورد معامله آمده‌اند؛ RAS- و BAG- است که به ترتیب به معنی تاکستان (رز) و باغ است (در پارسی امروزی و کُردی «رز» به معنای تاک یا انگور است. باغ در پارسی امروزی نیز همان باغ و در کردی، عموماً «باخ» گفته می‌شود)^۱ به همین دلیل این پسوند یا هجای پایانی، قابل جابجایی یا حذف بوده و جزئی از نام محسوب نمی‌شده است و به همین دلیل در واژه‌های قباله‌های یونانی از آنها به عنوان بخشی از کلمه استفاده نشده است.

نام تاکستان مورد معامله در قباله شماره III (قباله پارتی) یک ناهمخوانی و تفاوت را بین قباله های IA و IB نشان می‌دهد. تمامی نام‌های دیگر در قباله IIA به استثنای نام (DĒSAKDIS)، نام‌هایی معطوف به ... (عطف شده) هستند. نام (Κωπάνει) (GANZAKĒ) در حالت مفعولی مفرد، نام (KŌPANIS) یا (KŌPHANIS) در حالت مفعولی مفرد و سایر نام‌ها هم در حالت مفعولی جمع هستند.

بخش دوم

کوه اورامان (یا آن‌طور که کردها تلفظ می‌کنند؛ هورامان) به بخشی از زاگرس که در این ناحیه واقع شده اتلاق می‌شود که مرتفع‌ترین بخش رشته کوه زاگرس است و به «زاگرس مرتفع» معروف است. این خط‌الرأس به صورت مستقیم به سمت شمال امتداد می‌یابد و در شمال غربی به دره‌ای بزرگ و عریض می‌رسد که با رودخانه سیروان (که در پایین دست / خاک کردستان عراق، رودخانه دیاله نام می‌گیرد)، در جهت شرق به غرب از سمت ایران به طرف عراق، از هم گشوده می‌شود. اورامان ناحیه‌ای است که در جنوب شرقی آن کوه‌های شاهو (Shāho) قرار دارد که بلندترین قله آن بالغ بر ۳۳۰۴ متر^۲ است. نام شاهو گاهی توسط کردها برای نامیدن یک ناحیه و گاهی نیز برای نامیدن سرتاسر این منطقه به کار می‌رود.

روستای شاری هورامان [شهر اورامان] در شمال شرقی دامنه‌های کوه اورامان، بین ۳/۲ تا ۴/۸ کیلومتری از خط‌الرأس آن واقع شده است و بلندترین نقطه آن بالغ بر ۲۹۹۰ متر است.

^۱ بسیاری از واژه‌هایی که در زبان فارسی دارای حرف «غ» هستند در بیشتر گویش‌های کردی این حرف به صورت «خ» تلفظ می‌شود. به عنوان مثال: «غایب» در فارسی به صورت «خایب» در کردی تلفظ می‌شود (م).

^۲ کلیه واحدهای سنجش ارتفاع و مسافت در متن اصلی مقاله در واحد پا (Feet) و مایل (Mile) هستند که برای درک بهتر در ترجمه فارسی، معادل متر و کیلومتر آنها محاسبه و درج شده است (م).

قله کوسالان با ارتفاع ۲۵۹۲ متر، بین حدود ۴/۸ کیلومتری شمال شرقی روستای اورامان و رودخانه سیروان واقع شده است و یک پیچ تند را ایجاد کرده که باعث تغییر مسیر مستقیم رودخانه از جهت شمال غربی به جنوب شرقی شده و کوه را دور زده است. با وجود این هنوز هم در سمت شرقی خط الرأس اصلی زاگرس در جریان است. نه در فهرستی که من پیشتر از روستاهای نواحی قبیله‌ای اورامان تهیه کرده‌ام، و نه در آخرین بررسی‌هایی که در سال ۱۹۴۲ انجام داده‌ام؛ در هیچ کدام از آنها نشانی از شباهت اسمی بین روستاهای امروزی منطقه اورامان با نام مکان‌های اشاره شده در قباله‌ها وجود ندارد.

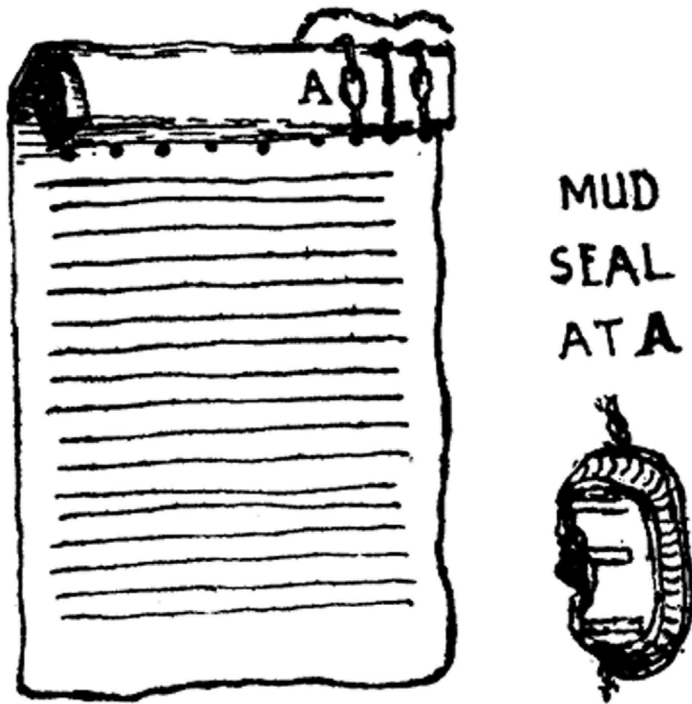


DIAGRAM OF II. BEFORE COMPLETE UNROLLING.

شکل ۴. شیوه کتابت دو بخشی نسخه‌های یونانی پوست‌نوشته‌ها (برگرفته از: Minns, 1915: 22)

کوه اورامان در جانب جنوب غربی، مشرف بر دشت شهرزور (Shahr-i zur) است که ۲۱۳۵ متر پایین‌تر از آن واقع شده است. اگرچه دشت شهرزور در جهت شمالی-غربی کمتر توسط کوه‌ها محصور شده، با وجود این گستره زیادی از آن که بارانان (Bārānān) نامیده می‌شود (۱۳۷۲ تا ۱۶۱۶

متر) به موازات این ارتفاعات کشیده شده است.^۱ در آن سوی ناحیه بارانان و به موازات آن، نواحی دیگری از جمله قره‌داغ؛ با گستره‌ای بالغ بر (۱۳۷۲ تا ۱۸۷۵ متر) هم وجود دارند. منظره قره‌داغ از جانب جنوب غربی مانند صخره‌ای است بلند از سنگ آهک که از دریایی متلاطم از ماسه سنگ، سنگ رسیت، جوش سنگ و سنگ گچ، سر برآورده و در جای جای این ناحیه از دامنه‌های زاگرس پهلو گرفته است.

رودخانه سیروان (که در خاک عراق «دیاله» نامیده می‌شود) بعد از اینکه رودخانه تانجه رو (Tānja ru) از شهر زور به آن می‌پیوندد، مسیر خود را کوتاه کرده و پس از عبور از میان نواحی بارانان و قره‌داغ، در نهایت در ۱۶ کیلومتری جنوب بغداد به رودخانه دجله می‌پیوندد. از رودخانه سیروان به سمت رودخانه زاب کوچک تا ناحیه قره‌داغ، نزدیک ۱۲۸ کیلومتر است. در این مسیر سه گذرگاه مشهور همدیگر را قطع می‌کنند: گذرگاه نخست، معبر پایکولی (Pāikuli) است که در حدود ۸ کیلومتری رودخانه سیروان واقع شده و دارای آثاری یادمانی از «نرسه» شاه ساسانی (۲۹۳-۳۰۲ میلادی) است که در پای جنوب غربی آن و کناره‌های جاده قرار گرفته است. گذرگاه دوم، سگرمه (Sagirma) نام دارد که حدود ۳۸/۴ کیلومتری از گذرگاه پایکولی فاصله دارد. این گذرگاه بر سر مسیر یک راه کاروان‌رو اصلی واقع شده که از بغداد به سلیمانیه و تبریز می‌رود. ۳۸/۴ کیلومتر جلوتر از سگرمه، گذرگاه دربندی بازیان (Darband-i Bāzyān) واقع شده است که آن را همان معبر بابیت (Bābite) اشاره شده در سالنامه‌های آشوری می‌دانند. معبری که آشور نصیرپال (۱۰۴۷-۱۰۲۷ پم) [آشور نصیرپال III] از آن برای عبور دادن لشکریانش در خلال چندین لشکرکشی که بر ضد زاموآ (Zāmuā)^۲ (منطقه شهرزور امروزی) انجام داد، استفاده کرده است. رودخانه کوچک تاینال (Tāināl) در شمال معبر بازیان و نزدیک به آن جریان دارد، اما مانند بسیاری از دیگر رودخانه‌های زاگرس، نخست قدری مسافت به سمت جنوب شرقی پایین دست دره ناودسی شکل حد فاصل قره‌داغ و بارانان طی می‌کند و سپس پیش از آنکه در زوایه سمت راست به طرف مسیر پیشین خود

^۱ با استفاده از نقاط علامت‌گذاری شده در نقشه، من برای سهولت، از نام «بارانان» استفاده کرده و آن را به کار برده‌ام. در کردستان، نام رشته‌کوه‌ها، گاهی در یک منطقه با منطقه دیگر به‌طور کلی متفاوت است. گاهی بر حسب اینکه محل زندگی شخص روای که مطلبی را برای شما می‌گوید، در کدام جانب کوه واقع شده و یا رخداد در کجا اتفاق افتاده، نام متفاوتی را برای محلی واحد از او می‌شنوید.

^۲ رجوع شود به مقاله:

Speiser, E. A. 1926-7 "Southern Kurdistan in the Annals of Ashur nasir pal", *Annals of the American Schools of Oriental Research*, Vol. VIII.

امتداد یابد، با گذر از میان قره‌داغ از راه یک تنگه باریک در ۲۷ کیلومتری بازیان و ۱۶ کیلومتری سگرمه فروکش می‌کند و پایین‌تر با نام جدید؛ طاووق چای (Tāuq Chāi)، به رودخانه‌های خاسا (Khāsā) که از سمت کرکوک می‌آید و آق سو (در کردی آوی سپی / آب سفید) که از منطقه طوز خورماتو (Tuz Khurmātu) سرچشمه دارد می‌پیوندد و در نهایت با نام رودخانه ادهایم (Adhāim) [نهر العظیم] به سمت رود دجله در ۷۲ کیلومتری شمال بغداد جریان پیدا می‌کند.

انشعاب‌های ایجاد شده از قره‌داغ در بخش زیادی از این مسافت، حدفاصل این محدوده و معبر پایکولی، به دو جهت متمایل می‌شوند که ادامه مسیر در سمت شمال شرقی است با سیمایی ناهموار و سنگ آهکی، که با سلسله چین خوردگی‌های بزرگی که به نواحی مرتفع جنگلی وصل می‌شوند از وسط دونیم می‌شود و مانند دو طرف لبه چاقو هستند.

در بندگی گاور (Darband-i Gawr)، یکی دیگر از شکاف‌های این مسیر کوهستانی است که تقریباً در میانه‌های راه بین سگرمه و پایکولی واقع شده است. در این منطقه نقش برجسته‌ای از نارام‌سین (Nārām-Sin) آکدی هم وجود دارد که در حدود سال ۲۴۰۰ پم به مناسبت جشن پیروزی وی بر «لولوبی‌ها» بر روی یک دیواره صخره‌ای ایجاد شده است.^۱

نام امروزی «در بند»؛ که با شکاف‌هایی که رودخانه تاینال در سرتاسر قره‌داغ ایجاد کرده و همچنین خود رودخانه، پیش از آنکه در منطقه طاووق یا داقوق (Dāqūq) نامی جدید بگیرد؛ با سیره (Bāsira) است. نام سرزمین‌های مرتفع جنگلی در هر دو بخش قره‌داغ، کُوبی (Kōpi) است. هیچ یک از این دو نام تا آنجا که من می‌دانم در کردی امروزی معنای مشخصی نداشته و هر معنایی می‌توانند داشته باشند.^۲

^۱ نگاه کنید به مقاله من با عنوان:

Edmonds, C. J. 1925. "Two Ancient Monuments in Southern Kurdistan", *Geographical Journal*, Vol. IXV.

و همچنین نگاه کنید به:

Smith, Sidney, 1928. *Early History of Assyria*, London, p. 97

^۲ یک‌بار یک نفر کرد با روش ریشه‌شناسی لغوی (Etymology)، که روشی بسیار مرسوم است، ولی نمی‌توان نتایج آن را به آسانی پذیرفت؛ با خوش‌فکری و ابتکار خودش پیشنهادی برای نام «باسیره» به من ارائه کرد. وی می‌گفت: در واژه باسیره در کُردی؛ «با» به معنی «باد» و «سیره» (از ریشه سرین (niřS) به معنی «سُتردن» و پاک نمودن است [صدای حرف «ر» در این واژه کردی مانند صدای حرف «ر» در واژه «راه» است و با کمی مکث و فشار تلفظ می‌شود]. صدایی مانند مالش یا سایش که از باد در حین عبور پر سرو صدا از یک شکاف صادر می‌شود. در نقشه‌های نظامی بریتانیا و آنهایی که در بررسی‌های صورت گرفته در عراق دارای نام‌های اصیل با تلفظ انگلیسی هستند، نام‌های

در حال حاضر هیچ روستای دایمی در منطقه کوپی وجود ندارد. اما زمانی که من در اکتبر ۱۹۲۳ و برای بار دوم در آگوست ۱۹۳۶ در منطقه حضور پیدا کردم و از آن نواحی بازدید کردم، در طول این مسیر برای چندین مایل حدفاصل سگرمه و دربندی گاور، بقایای یک بنای تاریخی ویران شده که برخی ابعاد آن هنوز به خوبی دیده می‌شد و کردها به آن «عمارت» می‌گفتند، و همچنین بقایایی از بنای کوچک‌تر دیگری توسط اهالی منطقه به من نشان داده شد. پیشتر اشاره کردم که اگرچه تعداد چشمه‌ها در آن فصل چندان فراوان نیستند، اما برای آبیاری مزارع کوچک توتون کافی هستند. متأسفانه من هیچ وقت موفق نشدم از محدوده باریکه وسیع شمال‌غربی کوپی، از سگرمه به سمت «دربندی باسیره» بازدید کنم.

«باسیره» و «باسیره» بدون هیچ تفاوتی در مقدار و کمیت آنها ذکر شده است. جدیدترین این نقشه‌ها که این نام‌ها در آن ضبط شده است نقشه ۱: 500,000 به همراه نام‌های عربی نقاط بود که این نام را به صورت «باسیره» ضبط کرده است. اما از آنجاکه غیر محتمل نیست که ترجمه حرف به حرف از تلفظ انگلیسی این واژه اگر توسط یک فرد صورت بگیرد او بدون تردید حرف «ی» را برای نشان دادن «یی» کوتاه استفاده کند (یا همچنین او بخواهد حرف «و» را برای «اُ» کوتاه یا حرف «ه» را به جای «اُ» بنویسد). حضور حرف ی در واژه «باسیره» ضرورت تعیین‌کننده‌ای ندارد. ارنست هرتسفلد در مقاله‌ای که درباره پایکولی نوشته، نقشه‌ای آورده که تلفظ این نام به شکل (BA'SIRRA) دیده می‌شود [برای دیدن این نقشه در مقاله هرتسفلد درباره پایکولی ر.ک]:

Herzfeld, Ernst. 1924., Paikuli: monument and inscriptions of the early history of the Sasanian empire, Berlin, Reimer.

نه با مرور دانسته‌های خودم از دره باسیره که حاصل حضور چندین باره‌ام در آنجا بوده و نه در هیچ یک از منابع دیگری که اینجا از آنها کمک گرفته شد، وجود یک عین، همزه (ء) یا هر مکث دیگری در پایان نخستین هجای واژه «باسیره» تأیید نمی‌شود.

استفاده هرتسفلد از دو حرف «ر» در این واژه به صورت توأمان در کنار همدیگر، اگر چه ممکن است به علت نقش صدای حرف «ر» در زبان کردی باشد که کردها گاهی آن را با یک نقطه در زیر حرف «ر» نشان می‌دهند. مشاهده شخصی خودم هم به روش ریشه‌شناسی مرسوم لغوی تأیید می‌شود که می‌توان آن را به این شکل بیان کرد که حرف «ی» کوتاه است و حرف «ر» کمی در دهان می‌چرخد و بعد ادا می‌شود.

[در رسم الخط کردی یک علامت کوچک به شکل (V) زیر حرف «ر» و روی حروف: ی-و-ل قرار گرفته و باعث تغییر صدای تلفظ آنها می‌شود. به عنوان مثال اگر این علامت زیر حرف «ر» قرار گیرد صدای تلفظ این حرف مانند شیوه تلفظ حرف «ر» در واژه «ریال» خواهد بود و چنانچه این علامت از زیر این حرف برداشته شود، صدای تلفظ آن مانند صدای حرف «ر» در واژه «ایران» بوده و نرم‌تر تلفظ می‌شود. نویسنده مقاله این علامت (V) را به شکل یک نقطه دیده است] (م).

تاکستان‌ها در گستره‌ای وسیع از منطقه قره‌داغ همانند سایر نواحی مرتفع کردستان کشت شده‌اند و من در دفتر یادداشت‌های روزانه‌ام فهرستی از ۲۰ نوع انگور گوناگون شامل: ۱۱ گونه سفید و ۹ گونه سیاه؛ ارغوانی یا قرمز از آنها را دارم که کدخدای روستای جافران (Jāfarān) آنها را به من داد. جافران، روستایی است در شمال شرقی کوهپایه‌های گذرگاه سگرمه، جایی که من چندین شب را در آنجا سپری کردم.

بخش سوم

در بازدید از قره‌داغ؛ ناحیه‌ای که در گذشته به واسطه روابط و معاشرت‌های تاریخی که داشته، منطقه ثروتمندی بوده، اتفاق جالبی پیش آمد. ما در این منطقه به نام دو محل برخوردیم که شباهت بسیار نزدیکی به نام مکان‌های اشاره شده در پوست‌نوشته‌ها، یعنی: KŌPHANIS / KŌPANIS و BĀSIRAORA / BĀISEIRA داشتند که بسیار جالب توجه بود. من اکنون و در نتیجه‌گیری پایانی این مقاله ضماینمی را برای ملاحظه بیشتر اضافه خواهم کرد که ممکن است وسیله و راه حلی باشد برای کمک بیشتر، یا به‌رحال نقطه عطفی باشد برای دست یافتن به یک تعین هویت از این نام‌جای‌های اشاره شده در پوست‌نوشته‌های اورامان.

۱. نام KŌP(H)ANIS در پوست‌نوشته‌ها، نامی است که تغییر شکل داده و به‌مثابه فرمی یونانی تلقی می‌شود. آمدن این واژه در این فرم، یک رویه است و مشابه نام‌های جغرافیایی است که با پسوندیایی از نوع ANE و -ENE به پایان می‌رسند؛ هرچند این فرم به تغییر شکل متفاوتی از کلمات اختصاص داده شده باشد.

به نظر می‌رسد که -AN در شکل یونانی آن یک نشانه و شناسه‌ای است که مرجع این نام‌ها را به اصطلاحات استفاده شده برای نام تقسیمات اداری منطقه‌ای برمی‌گرداند و این موضوع از جمله قواعد دوره سلوکی بوده که تا زمان پارتیان همچنان باقی مانده است.^۱ در نواحی شرقی کوه‌های آنتی توروس و زاگرس شمالی، در کتیبه‌های باقی مانده از پادشاهان آشوری، نام‌های جغرافیایی وجود دارند که به -ANA و -NA ختم می‌شوند.^۲

^۱ رجوع کنید به: W. W. Tarn. 1930 "Seleucid-Parthian Studies", Proceedings of the British

Academy, vol. xvi, Pp: 105-135

^۲ اطلاعات شفاهی از پروفیسور سیدنی اسمیت.

تلاش برای شناسایی امروزی نام‌های KÖPI و KÖP(H)ANIS ممکن است در آینده هم توسط دیگران مورد توجه واقع شود و صورت بگیرد که به هر حال این امری غیرممکن نیست و احتمال هم دارد بر مبنای یک تشخیص و برداشت شخصی صورت پذیرد.

۲. سگرمه موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای دارد. این گذرگاه بر یک چهارراه و در میانه راه شمال به جنوب قره داغ قرار گرفته است؛ به طوری که اگر مسافری که از جنوب می‌آید، بخواید وارد کوی (Köpi) شود، در منطقه اورامان امروزی و در حدود ۸۸ کیلومتری منطقه‌ای خواهد بود که مایل به سمت غربی «کوه سالان» است و این ناحیه می‌بایستی همیشه یک پناهگاه طبیعی امن برای فراریان، پناهنده‌ها و تبعیدی‌هایی بوده باشد که از سمت شهر زور و ناحیه قره داغ روی به این منطقه می‌نهادند.

۳. وجود هرگونه مرکز اداری در این معبر سخت گذر، به طور طبیعی یک پُست حکومتی ای خواهد بود که بر یک یا هر دو سمت آن راه عبوری تسلط کامل خواهد داشت. وجود تفاوت در نام‌های اتلاق شده به این مراکز اداری در پوست‌نوشته‌های شماره I و II مشکل زیادی را ایجاد نمی‌کند، چراکه به آسانی ممکن است نام یک محل بعد از سپری شدن ۶۶ سال از امضای قراردادها تغییر یافته باشد^۱ و همچنین این امکان به راحتی وجود دارد که جریان‌های سیاسی متفاوتی در این مدت بر بخش‌های مختلف منطقه حاکم بوده و هر کدام پُست حکومتی متفاوتی مورد توجه آنها بوده باشد.

۴. گذرگاه سگرمه کمتر از ۸۰ کیلومتر با کفری (Kifri) در دشت فاصله دارد؛ جایی که محل گذر و به هم پیوستن راهی است که از سمت شمال با شاهراهی که از موصل، اربیل و کرکوک می‌آید و در نتیجه فقط در حدود ۲۴۱ کیلومتر از بغداد فاصله دارد. این منطقه ناحیه‌ای بوده که نسبت به تأثیر پذیرفتن از فرهنگ و زبان یونانی از سمت سلوکیه (در ۲۸ کیلومتری جنوب بغداد) به مراتب بسیار قابل دسترس‌تر بوده نسبت به کشور نیرومندی [شاهنشاهی اشکانی] که پشت مانع طبیعی عظیمی به نام اورامان قرار گرفته است.

اگر نام هیپارخی ذکر شده در قباله‌های اورامان، در واقع همان نامی باشد که با عنوان «باسیره» باقی مانده است (که به نظر من در نبود دیگر شواهد معاصر، با بررسی‌های جغرافیایی و تجربه‌ای که

^۱ تاریخ دو نسخه از پوست‌نوشته‌ها با پوست‌نوشته دیگر، حدود ۶۶ سال فاصله زمانی دارد (م).

خودم در نواحی اداری منطقه داشته‌ام، همان است) حدس من این است که این نام دست کم باید همان شهر قدا (Qadā) در بازیان باشد که در زمان استیلای امپراتوری عثمانی بر این منطقه تأسیس شده است. اکنون نواحی آقجه لَر، منطقه اصلی و مهم چمچمال (Chamchamāl)، سنگاو (Sangāw) و بازیان به علاوه ناحیه قره‌داغ، که یک واحد اداری کشوری با ۱۲۸ کیلومتر طول از سیروان به زاب کوچک، و ۳۲ تا ۴۰ کیلومتر عرض را تشکیل داده‌اند، در جهت طولی توسط خط الرأس قره‌داغ به دو نیم تقسیم شده‌اند؛ که خود آن ناحیه تقریباً توسط دهانه شکاف منطقه باسیره به دو بخش مساوی تقسیم شده است.^۱

اگر هیپارخی، واحد سیاسی بزرگ‌تری بود، من انتظار داشتم که مناطق بیشتری را در جنوب پیدا کنم؛ جایی که امروزه ناحیه قادر کَرَم (ناحیه «گیل») در زمان عثمانی، که بر کناره‌های هر دو رودخانه باسیره و پباز (Pebāz) به سمت رودخانه سیروان واقع شده است و هر دوی این رودخانه‌ها به‌خوبی در میان تپه‌های پایکوهی‌ای جریان دارند که حدفاصل قره‌داغ، جنوب شرقی شکاف باسیره، و راه‌های مرتفع از طاووق به سمت کفری کشیده شده‌اند.

^۱ ویلیام تارن (W. Tarn) بنا به دلایل متعددی بر این باور است که زیر مجموعه اصلی تقسیمات ساتراپی‌های قدیم «اپارخی» بود و «هیپارخی‌ها» زیر مجموعه اپارخی‌ها بودند که واحدهای سیاسی کوچکتری بودند و جزو تقسیمات اداری اپارخی محسوب می‌شدند (ر.ک پیشین).

“Contents”

Article

- The Function of a Chlorite Hand-Bag of the Halil Rud Civilization as Inferred from Its Wear Traces** | M. Vidale & R. Micheli, Persian translated by Amirreza Kheyrikhah 5
- The Place Names of the Avroman Parchments** | C. J. Edmonds, Persian translated by Nowzar Heydari 23

Numismatics

- Epigraphie et numismatique: quelques remarques sur les noms de monnaies dans les inscriptions grecques archaïques** | H. Nicolet-Pierre, Persian translated by Niloofar Rezaei Naraghi 39
- Archeologie et numismatique en Albanie: remarques sur l'activite monetaire au IV-II siecle** | S. Gjongecaj, Persian translated by Niloofar Rezaei Naraghi 47
- Monnaies de fouilles et histoire grecque: l'exemple de Thasos** | O. Picard, Persian translated by Niloofar Rezaei Naraghi 57



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 5, No. 10, Winter 2023 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| Dr Shahin Aryamanesh |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

A stone weight from Jiroft (mid-third millennium B.C.) offers a variation on a common Bronze Age theme of a mythical hero taming fierce animals. National Museum of Iran.

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

With Contributions by
| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 5 / No. 10 / Winter 2023



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ The Place Names of the Avroman Parchments
- ◆ Monnaies de fouilles et histoire grecque: l'exemple de Thasos
- ◆ The Function of a Chlorite Hand-Bag of the Halil Rud Civilization as Inferred from Its Wear Traces
- ◆ Archeologie et numismatique en Albanie: remarques sur l'activité monétaire au IV-II siècle
- ◆ Epigraphie et numismatique: quelques remarques sur les noms de monnaies dans les inscriptions grecques archaïques